

اسطوره‌های نجات‌بخش جامعه ایرانی



فرهنگ‌یگان در بالا و پایین‌های اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر، از خرداد ۸۸ تا پاییز ۱۴۰۱، غیر از آن بدنه‌ادی‌کمال و خشن و اجیرشده‌ای که یک اقلیت محض بود و به هیچ مقدساتی رحم نمی‌کرد، بین بقیه مردم حتی معترضان، با وجود اختلاف‌نظرهای سیاسی، کشمکش‌های اعتقادی و بگومگوهای اجتماعی که به میان خانواده‌ها هم رفته بود، آنچه مورد خدشه قرار نمی‌گرفت و مورد احترام همه بود، شهدا بودند. اما چرا چنین است؟ نکته نخست این است که جامعه ایرانی عمیقاً دیندار است ولو با خوانش‌های مختلف. حتی مردمی که ظواهر خاص دارند و ظهور و بروز زیستی متفاوتی در جامعه دارند با خوانش خودشان دین دارند. در چنین نگاهی شهدا به‌عنوان رمزگان دینی‌فیم می‌شوند و مورد احترام همه هستند و می‌توانند فصل الخطاب همه باشند. در نگاه دینی شهدایی که دست از جان شسته‌اند و برای حفاظت از یک ارزش دینی و یک امر ملی ایثار کرده‌اند همیشه زنده‌اند و مردم دیندار از این باب به شهدا احترام می‌گذارند. نکته دوم زیست تاریخی اسطوره‌ساز ایرانی‌هاست. تفاوت ایران با ملت‌ها و جوامعی که تاریخ دو سست سیصد ساله دارند این است که پشتوانه عظیم فرهنگی و فکری چند هزار ساله دارد. ملتی که شاهنامه دارد، زبانی به قوت و قدرت و چهارنوبی فارسی دارد که توانسته با این زبان فرهنگی مغولان را هم استحاله کند، با فرهنگ‌های نوپا و بدون پشتوانه فرق دارد. چنین فرهنگی در تاریخ بدون اسطوره نمی‌تواند رشد کند و بالنده شود. ذهن ایرانی‌ها همسوبا اسطوره است، یک روز اسطوره این کشور رستم است، یک روز پوریای ولی است، یک روز ابراهیم همت است و یک روز قاسم سلیمانی.

این نگاه اسطوره‌ساز قهرمانش را پهلوان می‌خواند درست نقطه مقابل فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های غربی. آنها برای ساخت ذهنیت لیبرال و ماتریالیست قهرمان فرهنگی تولید می‌کنند، قهرمانی که رویا می‌سازد و رویا را می‌فروشند. رویا چون مخدری عمل می‌کند که ساقی آن قهرمان است.

قهرمان با پهلوان فرق دارد، قهرمان حتماً باید در همین دنیا به هدف برسد، قهرمان برنده قطعی دنیای ماده است، قهرمان به مثابه کالا مصرف می‌شود تا رویای مصرف‌گرایانه بسازد اما پهلوان یک قهرمان توحیدی است. ممکن است در این دنیای ماده شکست بخورد، اما با نگاه توحیدی پیروز است. حسین بن علی ظاهراً در جنگ شکست خورد اما تاریخ ظلم‌ستیزی را ساخت، قاسم سلیمانی ظاهراً حیات مادی ندارد، اما نامش کابوس همه اشقیای معاصر آینده است. این خصلت پهلوان و تمایز پهلوان و قهرمان است. شهدا برای مردم

می‌گیرد. تقویت ایمان و تقویت امید مصداق عقلانیت است. تاریخ دفاع مقدس پر از مظاهر امید، ایمان و عقلانیت است. هرچه این جنبه‌ها پررنگ شوند گفت‌وگوهای عمومی شهدا در جامعه بیشتر زنده می‌ماند. اینکه تصمیماتی که به شکل واضح‌تر درگیر و فاقد استدلال عمومی است را به اسم شهدا صورت‌بندی کنیم و به خورد جامعه بدهیم، خیانت به گفتمان شهدا است.

ب. گفتمان شهدا به مثابه یک ارزش ملی و عمومی:

شهدا یک ارزش عمومی در این جامعه هستند. ارزش‌های مورد توجه شهدا که در وصیتنامه آنها هم موجود است همان ارزش‌ها و شاعرهای انقلاب یعنی گفتمان آزادخواهی، عدالتخواهی و استقلال طلبی است. فروکاستن این ارزش‌های والا به جدال‌های جناحی و سیاسی خرد یک خطای راهبردی است. مصرف کردن از

ما می‌ماند چون تاریخ اسطوره‌ای ایران پهلوان ساز است. فرهنگ ایرانی فرهنگ پهلوان ستایی است. اما این نگاه اسطوره‌ای برای ایران ۱۴۰۲ چه می‌کند؟ ایران از دیرباز تا کنون با همه همگرایی‌ها سرزمین تک‌گراها، تفاوت‌ها و تضادها هم بوده است. در حداقلی‌ترین کارکرد، اسطوره‌رف‌کننده این تضادها و این شکاف‌های اجتماعی است. اسطوره‌هایی تکثیر شدند. امروز اگر کسی حتی مساله‌اش جمهوری اسلامی نباشد و صرفاً یک ایراتگرا باشد باید در مسیر صیانت از این اسطورگی تلاش کند. ذهنیت ملزوماتی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف. شهدا مظهر ایمان، عقلانیت و امید: معامله با خدا عین عقلانیت است. امری که از یک ایمان قوی نشات

بزرگ دفاع مقدس جوانان ۲۰ ساله و زیر ۲۰ سال بسیاری داشتیم، شهادت روح‌الله عجمیان‌ها، آرمان‌علی‌وردی‌ها که دهه‌های هفتادی و هشتادی بودند در آشوب سال گذشته و شهدایی چون محمدرضاهقان‌امیری، سیدمصطفی‌موسوی، سیدمحمدحسین میردوستی، حسین معرغلامی، محمدامین کریمیان، احمدمکیان و محسن حججی و... که در دفاع از حرم آل‌الله به شهادت رسیدند، نشان می‌دهد ارزش‌های بنیادین و زیربنایی در میان نسل‌ها قابل حفظ و حراست است. این نسل‌نوی شهدا پیام‌آشکاری برای مادرانند و آن پیام این است که زیرساخت معرفتی و فکری گفتمان شهادت یعنی امید، عقلانیت و ایمان در جامعه به مثابه بستری فراهم است، به شرطی که بتوان کار فرهنگی موثر کرد و البته کار ضدفرهنگ نکرد. مسیر کار فرهنگی موثر از تولید، توزیع و مصرف کار فرهنگی می‌گذرد که اقتضائاتی دارد که مهم‌ترین آن اصلاح رویکرد در تولید است. باید تولید کیفی و تولید کمی را توأم با هم دید. باید بدانیم فضای رسانه‌ای جدیداً اقتضائات خاص خودش را دارد، مهم‌ترین وجه این اقتضا متکثر شدن تولیدکنندگان محتوا است. به یک معنا مثل قبل رسانه‌ها هم‌رسانه، به مثابه یک پیام‌رسان که فعال مایشا است موضوعیت ندارد. جنبه‌های ابزاری کم‌اهمیت‌تر شده‌اند. وقتی یک فرد با کمترین ابزار می‌تواند پیام‌رسانی‌ای و محصول فرهنگی تولید کند، یعنی آنچه موضوعیت دارد محتوای پیام، قوت استدلال پیام و جذابیت فرمی پیام است. با چنین نگاهی مزیت‌نسبی در محتواست، اصطلاحاً محتوا سلطان است. با چنین رویکردی هرچه کار کیفی‌تر باشد ضریب نفوذ آن و عمق تاثیر آن بیشتر خواهد بود. یعنی هم اثر به مخاطبان بیشتری می‌رسد، هم به هر فردی که می‌رسد اثر فکری، معرفتی و نگرشی بیشتری می‌تواند بر او داشته باشد. این مساله درخصوص تولیدات مربوط به شهدا هم صدق می‌کند. کار برای شهدا نباید صرفاً کاری برای رفع تکلیف و ارائه گزارش باشد. باید اثری باشد که همه ضرایف فنی، هم در محتوا و هم در فرم در آن رعایت شود. چنین اثری باید متن قوی، پشتوانه پژوهشی عمیق، داستان پرگهر، قصه پرکشش، شخصیت‌پردازی خوب، روایت جذاب و... داشته باشد. کار معمولی با ضعیف‌انلاف وقت و سرمایه بوده و جایگاه شهید را خدشده‌ای می‌کند. در چنین بستری گاهی یک ویدئوی یک دقیقه‌ای با یک طراحی و داستان‌پردازی خوب می‌تواند کار یک فیلم سینمایی را انجام دهد. ممکن است یک متن مستدل و عمیق با رعایت ظرافت‌های هنری نوشتاری در حد یک کتاب کار کند. شاید برای این اسطوره‌ها ایمان در مکانیسم تولید فرهنگی بازنگری جدی کنیم.

گزارش

قالیباف می‌گوید وزیر کشور معاونش را عزل می‌کند ولی نماینده‌ها راضی نشدند، قصه چیست

موضع باخت- باخت مجلس در داستان وزارت کشور

رأی‌آوری می‌شود، به کلی از ذهن خود خارج کنید که این کار از مجاهدت‌های مهم و لازم است. « طبعاً نمایندگان باید از اقدامات سیاست‌زده و غیرکاربردی که آنها را از مسئولیت اصلی‌شان باز می‌دارد برحذر کنند اما اگر چنین اتفاقی رخ نداد و برخی نمایندگان همچنان رأی‌آوری و سیاسی کاری را اولویت خود دانستند، واضح است که سایر مردم باید از تبدیل شدن به ابزار سیاسی کاندیداهای احتمالی مجلس، خود را برحذر دارند. این اصل برای نمایندگان دولتی که بودجه بیت‌المال را در اختیار دارند اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که باید مانع از سوء استفاده سیاسی از حقوق همه ملت شوند. معاون سیاسی وزیر کشور نیز بر همین مبنا ابلاغیه را به مدیران زیرمجموعه وزارت کشور داده و آنها را از ابزار شدن در رستای منافع سیاسی سایرین برحذر داشته است.

یکی دیگر از بندهای بخشنامه که موجب اعتراض نمایندگان شد، بند ۷ بود. بندی که رئیس مجلس روز گذشته اعلام کرد وزیر کشور قبول کرده تا از متن بخشنامه حذف شود. این درحالی است که در این بند نیز معاون سیاسی وزیر کشور چیزی برخلاف بیانات رهبر انقلاب نگفته است. در هفتمین بند بخشنامه تاکید شده است: «از هرگونه انتصاب مدیران و به‌کارگیری نیروبراساس توصیه‌های خارج از مجموعه دولت و همچنین کاندیداهای انتخابات پرهیز نشود تا اصل شایسته‌گزینی بومنهائی گفتمان انقلاب و رویکرد مردمی جهادی دولت به‌عنوان شاخصه اصلی مدنظر قرار گیرد.»

رهبر انقلاب در این باره در دیدار با نمایندگان با اشاره به توصیه همیشگی خودشان به آنها مبنی بر پرهیز از دخالت در انتصابات خاطرنشان کردند: «رئیس مجلس گفتند بعضی از نمایندگان از این توصیه دلخور شده‌اند، درحالی که این توصیه به مصلحت خود شماسست؛ چرا که اگر مسئولی در یک منطقه با پیشنهاد یا فشار یک نماینده منصوب شود اما عملکرد او مطلوب نباشد، مشخص نیست باید از چه کسی بازخواست شود.»

مردود متن بخشنامه ابیات می‌کند که نمایندگان با رجوع به متن حداقل نمی‌توانند نسبت به معاون سیاسی وزیر کشور گلایه‌مند باشند.

مواجهه غیر منطقی در قبال تنها گلایه منطقی
اگر چه ذات توصیه به عدم حضور نمایندگان دولت در جلسات شائبه‌دار چیزی نیست که کسی بتواند به آن معترض شود اما برخی نمایندگان با اشاره به اینکه عدم فهم صحیح از ابلاغیه وزارت کشور یا احیاناً برداشت مغرضانه باعث می‌شود تا مدیران استانی حتی در موارد غیر شائبه‌دار مسئولیت نمایندگان را نادیده گرفته و مانع از ایفای نقش نظارتی مجلس شوند. اینکه ممکن است از ابلاغیه وزارت کشور سوء برداشت‌هایی شده و اختلال‌هایی در روندهای قانونی به وجود بیاید، امری است که نمایندگان محققند به آن اعتراض کنند، اما تبدیل شدن این اعتراض به استیضاح و مطالبه عزل معاون سیاسی آن هم در شرایطی که وزارت کشور این بند را حذف کرده اقدامی غیر منطقی به‌نظر رسیده است که صرفاً وجهه‌ای هیجانی را از برخی نمایندگان در اذهان عمومی متبادر می‌کند.

کدخدانمشی غیر بی‌طرفانه
بعد از آنکه نمایندگان علی‌رغم عقب‌نشینی‌های وزارت کشور همچنان بر

گفت: «وزیر کشور باید معاون سیاسی خود را همین امروز عزل کند وگرنه مجلس با رفتار ناصحیح وی برخورد خواهد کرد.»

اعتراضات نمایندگان پای وزیر کشور را برای توضیح به مجلس باز کرد. توضیحی که عباس زاده، نماینده مردم مشکین شهر آن را قانع‌کننده ندانسته و به جریان افتادن استیضاح وزیر در صورت عملی نشدن قول عزل معاون سیاسی را این گونه تشریح کرد: «با توجه به غیرقانونی بودن بخشنامه معاونت سیاسی وزارت کشور، نمایندگان از وزیر کشور سولاتی درباره این بخشنامه مطرح کردند و آقای وحیدی توضیحاتی نسبت به صدور این بخشنامه ارائه کرد. اما نمایندگان حاضر در جلسه غیرعلنی از توضیحات وزیر کشور قانع نشدند و درخواست داشتند که با این نوع تخلفات برخورد جدی شود و آقای وحیدی قول‌هایی در جهت اصلاح این موارد بدهد... آقای وحیدی به قول‌هایی که در جلسه علنی دادند عمل نکند استیضاح به جریان خواهد افتاد.» احمد وحیدی اما وعده عزل معاون سیاسی را تلویحاً تکذیب کرد. در حاشیه جلسه هیات دولت به خبرنگاران درباره احتمال عزل معاون گفت: «درخواستی بوده که دوستان مطرح کردند و من چیزی خاصی در جلسه دیروز در مجلس نگفتم بلکه گفتیم در تعامل مثبت با مجلس دنبال حل سوءتفاهم خواهیم بود.» پس از این اظهارات، نمایندگان برای به جریان انداختن استیضاح وزیر کشور فعال شدند تا نسبت به آنچه خلف وعده می‌دانستند اعتراض کرده باشند. روز گذشته رئیس مجلس اما درخواست استیضاح وزیر کشور توسط نمایندگان را کنار گذاشت.

ایرادات غیر منطقی
براساس آنچه در بند ۴ بخشنامه معاون وزیر و رئیس ستاد انتخابات کشور با هدف تأمین و تضمین رویکرد سلامت انتخابات ۱۱ اسفند آمده، به معاونان سیاسی، فرمانداران و بخشداران تاکید شده: «ضمن تداوم پیشبرد امور شهرستان‌ها در حوزه‌های مختلف عمرانی، اقتصادی، توسعه‌ای و... با نمایندگان مجلس در مدت باقی‌مانده تا انتخابات به‌گونه‌ای تعامل کنند که هیچ‌گونه شائبه و سوءبرداشتی از همراهی آنها در جلسات دولتی و پیگیری طرح‌ها و پروژه‌های منطقه‌ای به‌وجود نیاید.» در این متن بدون اینکه تاکید بر عدم همراهی با نمایندگان در پیگیری طرح‌ها شده باشد صرفاً توصیه شده تا معاونان سیاسی، فرمانداران و بخشداران در مورد همراهی با نمایندگان مجلس در مدت باقی‌مانده تا انتخابات دقت لازم داشته و در جلسات شائبه‌دار حضور نیابند.

واضح است که درگیر شدن برخی نمایندگان به امورات سیاسی در سال پایانی مجلس آنها را از پرداختن به مسئولیت اصلی خود در زمینه قانونگذاری بازداشته و بسیاری از دستورات‌های مهم همچون بررسی برنامه هفتم توسعه و اصلاح ساختاری بودجه را به حاشیه می‌راند. نمایندگان درحالی به چنین بندی معترضند که رهبر انقلاب نیز با نگاه به تبعات رفتارهای وجاهت‌طلبانه در دیدار با نمایندگان که سوم خرداد ماه برگزار می‌شد با تاکید بر سرانجام رساندن کارهای بزرگ مجلس در سال آخر همچون برنامه هفتم، پیگیری شعار سال، نهایی کردن لویح نیمه کاره و جبران خلأها و قصورها نمایندگان را از چنین رفتارهایی برحذر داشته و در این باره گفتند: «نگذارید وجاهت‌طلبی روی حرف‌ها و اقدامات شما اثر بگذارد و ایس‌را که فلان حرف یا فلان کار موجب علاقه‌مندی مردم و افزایش احتمال

بعد از جار و جنجال‌های بسیار روز سه‌شنبه در صحن علنی مجلس، اعتراض‌ها به ابلاغیه وزارت کشور و احمد وحیدی بار دیگر در بهارستان تکرار شد. جنجالی که روز گذشته تا ستانه طرح استیضاح وزیر کشور پیش رفت اما رئیس مجلس شخصاً به مساله ورود کرد و مانع از اعلام وصول استیضاح شد. قالیباف در توجیه این اقدام گفت: «به هر حال معاون سیاسی وزیر کشور در ابلاغیه خود خطا کرده است، وزیر کشور هم این را پذیرفت و بندهای ۴، ۶ و ۷ را لغو کرد و اینجا هم توضیح دادند که این اشکال وارد بوده است. من قبل از جلسه روز سه‌شنبه با وزیر کشور صحبت کردم و این اشکال را وارد دانستم و ایشان آنجا قول داد که این موضوع را پیگیری می‌کنند و گفت چون الان انتخابات استارت خورد است یک فرصت دو هفته‌ای بدهند تا جایگزین ایشان مشخص شود. حق قانونی شماسست. طبق قانون اگر استیضاحی هست، من باید اعلام وصول کنم ولی این قول را آقای وزیر به بنده داده‌اند. من این را پیگیری می‌کنم، اما دوستان این موضوع را مطرح نکنند، هر روز یک بحث جدید و یک تنش با این موضوعات حاشیه‌ای درست می‌شود.» در ادامه ضمن مرور حواشی رخ داده در ماجرای ابلاغیه رئیس ستاد انتخابات کشور اثرات اجتماعی پافشاری نمایندگان بر استیضاح وزیر کشور و در ادامه کنار گذاشتن این استیضاح به شیوه‌ای کدخدامشانه را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

داستان یک استیضاح هیجانی
مطابق این ابلاغیه معاون سیاسی وزیر کشور که رئیس ستاد انتخابات نیز محسوب می‌شود طی ابلاغیه‌ای از فرمانداران، بخشداران و معاونان فرمانداران خواسته بود تا ضمن تداوم پیشبرد امور شهرستان در حوزه‌های مختلف عمرانی، اقتصادی، توسعه‌ای و... در روابط با نمایندگان مجلس در دوره باقی‌مانده تا انتخابات، برای پیگیری از هرگونه سوءبرداشت، نسبت به همراهی با نمایندگان در حوزه انتخابیه در موضوعات و جلسات شائبه‌دار، حساسیت و دقت لازم را داشته باشند. تفسیر غلط نمایندگان از این ابلاغیه باعث شد تا آنها اقدام وزارت کشور را زیر سوال بردن شأن نمایندگی تلقی کرده و نسبت به وزیر کشور معترض شوند. وزیر کشور ۲۸ خرداد در نامه‌ای به استانداران بخشی از بخشنامه «غلامرض» معاون سیاسی وزارت کشور را ملغی اعلام کرد. با این حال اما اعتراض نمایندگان به این بخشنامه جنجالی ادامه داشت. ۲۹ خرداد ماه کاظم دلخوش، نماینده صومعه‌سرا در واکنش به بندی از بخشنامه درباره عدم حضور نمایندگان در پروژه‌های استانی گفت: «من نماینده مجلس تا روز آخر کاری خود (هفتم خرداد ۱۴۰۳) نماینده است و نمی‌توانم به بهانه سه سال پایانی فعالیت، مانع از انجام مسئولیت‌های نمایندگی‌اش شوم.» حسین محمدیاری، نماینده مردم تالش هم گفت: «شما در جریان هستسید که نمایندگان شهرهای کم‌برخوردار در جذب اعتبارات با چه مشکلاتی مواجه هستند. اساساً اگر همراهی قوه مجریه در کارها وجود نداشته باشد، امور اجرایی معطل می‌ماند. در این شرایط نمایندگان می‌توانند تا کارآمدی برخی مدیران اجرایی را می‌دهند، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند که به هیچ‌عنوان قابل قبول نیست.» برخی از نمایندگان هم ضمن اعتراض، خطاب به وزیر کشور خواهان عزل معاون سیاسی وزارت کشور بودند. شهریار حیدری، نماینده مردم قصرشیرین و گیلان غرب یکی از همین نماینده‌ها بود که در صحن علنی مجلس،

طوری استیضاح کنید که خودخواهی تعبیر نشود
از ابتدای تصدی وزارت کشور تاکنون مسائل مختلفی اتفاق افتاده که نمایندگان با استناد به آن می‌توانستند وزیر کشور را برای ارائه توضیحات به مجلس بکشانند. در گزارشی که به عنوان «مشاوره رایگان به مجلس: به مسائلی که ذی‌نفع نیستید هم واکنش دهید» در «فرهنگ‌یگان» به چاپ رسید؛ به‌طور مفصل مواردی را که می‌توانست منجر به استیضاح وزیر شود بررسی کرده‌ایم. مواردی که از جمله آن می‌توان به عدم برخورد قاطع با خاطیان اسنادیوم مشهد، ورود مدیرانگما به ماجرای مسمومیت‌های دانش‌آموزان، عدم برخورد با پلیس‌نماها و سوءمدیریت در پیاده‌روی اربعین اشاره کرد. زمانی که نمایندگان به چنین موضوعات مهمی ورود نکرده‌اند اما در مورد یک مساله که مربوط به خودشان است و واکنشی شدید نشان می‌دهند، این تلقی در افکار عمومی ایجاد می‌شود که در ذهن بسیاری از نمایندگان مطالبات مردم اولویت نداشته و جایگاه آن را درغدغه‌های شخصی و وجاهت‌خواهی‌های سیاسی پر کرده است.